

بازشناسی مؤلفه‌های محتوایی و ساختاری طبقات‌نگاری شیعه در عصر عباسی (درآمدی بر سیر تدوین از آغاز تا قرن ششم هجری)

حسین مرادی نسب^۱ / محمد زاهدی مقدم^۲

تاریخ وصول: ۱۴۰۴/۰۳/۲۰ / تاریخ تصویب نهایی: ۱۴۰۴/۰۵/۱۲

(DOI): 10.22034/shistu.2025.2063310.2537

چکیده

در تاریخ‌نگاری اسلامی، طبقات‌نگاری به‌عنوان روشی نظام‌مند برای طبقه‌بندی شخصیت‌های علمی و دینی بر اساس معیارهای زمانی، مکانی و موضوعی، جایگاه ویژه‌ای دارد. شیعیان با توجه به سیر تحول آن از آغاز به طبقات‌نگاری توجه داشته و آثاری نگاشته‌اند. این نوشتار با رویکرد توصیفی - تحلیلی در پی پاسخ به این سؤال است که شیعه از آغاز قرن دوم تا پایان قرن ششم هجری چه مراحل را در تدوین طبقات‌نگاری طی کرده است؟ با بررسی از آثار برجای مانده از کتاب‌های طبقات شیعیان و مطالعه آنها می‌توان به شناخت، نقل و شرح جامع وضعیت سیاسی و اجتماعی دوره‌ی عباسی پی برد؛ افزون بر این، واکاوی محتوای این تألیفات، زمینه‌ساز شناخت رویکردها فکری آنان در آن برهه تاریخی است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که این آثار در این محدوده زمانی، با محوریت امامان معصوم علیهم‌السلام و با دو ویژگی اصلی ساختار ترکیبی تاریخ‌محور، الفبایی، اسلوب ایجاز در نسب‌شناسی و موارد دیگر، و محتواگرایی مبتنی بر شاخصه هویتی و راویان شکل گرفته‌اند. در این میان، مؤلفه‌هایی چون تعریف امام‌محور از صحابی، اهتمام به ثبت شبکه‌های روایی و استفاده از اسلوب ایجاز در ارائه اطلاعات، از وجوه تمایز آثار شیعه با آثار اهل سنت به شمار می‌رود. این در حالی که اهل سنت بر ضرورت ثبت و شناخت سیره‌ی نبوی و شناخت آن، به معرفی صحابه‌ی پیامبر و راویان سیره به مثابه‌ی حلقه‌ی اتصال به شناخت روایات نبوی تأکید داشتند. طبقات‌نگاری شیعه تنها ابزار برای میراث‌ماندگار حدیثی نیست، بلکه بازتابی از تحولات فکری - اجتماعی جامعه شیعی و نقشه‌ای برای تثبیت مرجعیت علمی در عصر غیبت بوده است.

کلیدواژه‌ها: طبقات‌نگاری، تاریخ‌نگاری اسلامی، رجال شیعه، شیعیان، عصر عباسی، روش‌شناسی.

۱. دانشیار و عضو هیأت علمی گروه تاریخ اسلام، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه قم، ایران / hmoradi@rihu.ir.ac

۲. استادیار گروه معارف اسلامی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهرکرد، ایران (نویسنده مسئول)

mzahedi4642@gmail.com

مقدمه

با فروپاشی حکومت امویان و استقرار دولت عباسی در سال ۱۳۲ (ه.ق)، عصر طلایی تمدن اسلامی آغاز شد. تغییر حکومت دوره جدیدی در تاریخ اسلام ایجاد کرد (ژوزف بورلو، ۱۳۸۹، ص ۷۴). این سلسله که با اتکا به نسب خویش: عباس بن عبدالمطلب - عموی پیامبر ﷺ - مشروعیت سیاسی و دینی خود را مستند می‌ساخت، توانست با بهره‌گیری از فضای آشفته جامعه اسلامی و نارضایتی عمومی از ظلم امویان، حکومت را به دست گیرد (الخصری بک، بی‌تا، ص ۲۹؛ آقا نوری، ۱۳۸۵، ص ۱۶۵-۱۷۱). در بستر این گذار تاریخی، موقعیت جامعه شیعی نیز دست‌خوش تحولاتی عظیم شد. دوران طولانی محنت و ستم بر پیروان اهل بیت علیهم‌السلام که در عصر اموی به اوج خود رسیده بود، با شعار عباسیان مبنی بر «الرضا من آل محمد علیهم‌السلام» به ظاهر پایان یافت (مجهول، ۱۳۹۱، ص ۱۹۴؛ اصفهانی، بی‌تا، ص ۴۲۸). این شعار که بر گزینش فردی شایسته از خاندان پیامبر علیهم‌السلام تأکید داشت، در کنار اتحاد ظاهری هاشمیان - شامل علویان و عباسیان - در تقابل با مشروعیت اموی، فضایی امیدبخش برای جریان‌های شیعی پدید آورد (آقا نوری، ۱۳۸۵، ص ۱۶۵). این دوران فرصتی شد تا جامعه شیعی در مسیر تعالی و شکوفایی علمی و فرهنگی قرار گیرد. اوج این شکوفایی را می‌توان در عصر امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهم‌السلام مشاهده کرد. نهضتی که منجر به شکل‌گیری بزرگترین مدرسه علمی با تربیت حدود ۴۰۰۰ شاگرد و صدها اثر علمی شد و تا به امروز آثار آن در جوامع اسلامی جاری است (محرمی، ۱۳۷۸، ص ۱۱۳-۱۲۰). در پی این بسترسازی علمی، سادات و علویان به صورت تدریجی به اقصی نقاط سرزمین‌های اسلامی هجرت کردند. این پراکندگی جمعیتی، که با آزادی عمل نسبی همراه بود، به انتشار و نهادینه شدن فرهنگ اهل بیت علیهم‌السلام در مناطقی دور از مرکز خلافت انجام شد. دانش تاریخ‌نگاری اسلامی یکی از دانش‌هایی است که در این دوران مورد توجه دانشمندان شیعه قرار گرفت و توانست در گذر زمان تحول بنیادین در آن ایجاد شود. باورمندی عمیق شیعه به ضرورت حفظ و انتقال سیره ائمه اطهار علیهم‌السلام و تبیین جایگاه اهل بیت در تاریخ اسلام، زمینه پیدایش سنتی قوی در حوزه تاریخ‌نگاری را فراهم ساخت. این اهمیت تا بدانجا بود که دانشمندان شیعی، در اقدامی پیشگامانه، به فهرست‌بندی نظام‌مند آثار تاریخی شیعه از عصر نبوی تا دوران معاصر

خویش دست زدند. بنابراین، در این دوره، از حوزه صرف نقل رویدادها فراتر رفته و به دانشی تحلیلی و روش‌مند تبدیل گردید که همزمان به ثبت وقایع و تبیین مبانی اعتقادی می‌پرداخت.

شیعیان در کنار پرداختن به سیره‌ی پیامبر ﷺ و سپس امامان شیعه علیهم‌السلام، ناگزیر بودند یاران، اصحاب و راویان ایشان را نیز معرفی کنند. نخستین اثر در این زمینه که اصل آن از بین رفته، اما محتوای آن در منابع دیگر گزارش شده، کتاب تسمیه من شهد مع امیرالمؤمنین الجمل و الصفین و النهروان من الاصحاب، نوشته‌ی عبیدالله بن ابی رافع (م ۱۰۰ق)، تابعی، سرپرست بیت‌المال و منشی امیرالمؤمنین علیه‌السلام است (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۴؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۸۰، ص ۷۸؛ صدر، ۱۳۵۷، ص ۵۲-۵۳). این کتاب، نخستین اثر در فضائل‌نگاری است که نام اصحاب امیرالمؤمنین در جنگ‌ها را ذکر کرده و هدف اصلی آن اثبات فضایل آن حضرت از طریق اصحاب ایشان است. (داداش‌نژاد، ۱۳۹۵ش، ص ۲۴۱) ساختار کتاب بر اساس حوادث تاریخی است، نه طبقات راویان، (ر.ک: داداش‌نژاد، ۱۳۹۵، ص ۲۶۸-۲۷۲) هرچند رویکرد سیره‌نگاری آن درباره فضایل امیرالمؤمنین علیه‌السلام است.

در واقع، ابن ابی رافع شخصیت‌شناسی را از دل سیره‌نویسی بیرون آورد و با در نظر داشتن یک موضوع سیاسی و شرکت در جنگ‌ها، به صورت یک شاخه‌ی مستقل به آن پرداخت، در حالی که پیش از او، این گونه مطالب و فهرست‌ها، در دل کتاب‌ها و احادیث مربوط به سیره روایت می‌شدند. با این حساب، کتاب تسمیه بیش از آن که در ردیف آثار رجالی قرار گیرد، باید در ردیف آثار فضائل‌نگاری شیعه طبقه‌بندی شود، هرچند به ثبت نام افراد نیز پرداخته است. هدف از این کتاب ارائه‌ی الگویی از وفاداری به امامت امیرالمؤمنین علیه‌السلام است که شهدا را بر اساس جنگ‌ها طبقه‌بندی زمانی کرده و از این نظر می‌توان آن را در ردیف طبقات قرار داد. کتاب تسمیه سردسته کتاب‌های طبقات و شرح‌حال‌نگاری‌های گروهی محسوب می‌شود. بر اساس تحقیقات انجام شده گزارش‌های تاریخی قرن نخست سیره نبوی با رویکرد فهرست‌نویسی با نام تسمیه یا اسماء تدوین شد، که در قرن سوم شتاب گرفت ک بخش بزرگی از کتاب‌ها درباره تراجم‌نویسی راویان احادیث با عناوین الطبقات و التاریخ نوشته شده، به فهرست نام صحابه اختصاص یافته است.

(هدایت‌پناه، ۱۳۹۸، ص ۱۱۹ و ۱۲۱؛ ر.ک: همو، ص ۱۳۵-۱۳۸) آغاز تسمیه‌نگاری از شیعیان بوده و پس از آن، مرحله‌ی تدوین مجموعه‌های بزرگ زندگینامه‌ای در قالب طبقات با رویکردهای متفاوت آغاز شد. کتاب طبقات الشعراء از دعبل بن علی خُزاعی (۱۴۸-۲۴۶ق) (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۱۶۲) نخستین اثر در باب طبقات‌نگاری شیعه است که با عنوان «طبقات»، به شرح حال شعرای پیش از دعبل پرداخته، اما متأسفانه امروزه موجود نیست. دعبل از شعرای معروف دوره اول عباسی بود که در زمان خلافت منصور عباسی (حک: ۱۳۶-۱۵۸ق) به دنیا آمد و از اصحاب امام کاظم و امام رضا علیهما السلام بود و محضر امام جواد علیه السلام را نیز درک کرد. وی اصالتاً کوفی و ساکن بغداد بود. (خوئی، ۱۴۱۳، ج ۸، ص ۱۴۹).

از مطالعه‌ی آثار باقی مانده علم رجال شیعه می‌توان دریافت که شیعیان در عصر عباسی، تحولات کلانی در طبقات‌نگاری پدید آوردند. قرن دوم آغاز تکوین اولیه‌ی فهرست‌های شفاهی اصحاب ائمه‌ی اطهار علیهم السلام بود. در قرن سوم، تخصصی‌سازی این علم در دستور کار شیعیان قرار گرفت و اثری همچون معرفة الرجال فضل بن شاذان (م ۲۶۰ق) تألیف شد. قرن چهارم تألیف کتاب رجال کشی (درگذشته [بین سال‌های] ۳۳۰ تا ۳۴۰ قمری) است. در قرن پنجم دوران شکوفایی روش‌ها است که طبقات‌نگاری نظام‌مند شد. کتاب‌های فهرست نجاشی (م ۴۵۰ق)، مشهور به رجال النجاشی و رجال الطوسی به صورت باب باب تدوین گردید. در قرن ششم نیز ابن شهر آشوب (م ۵۸۸ق) کتابی با عنوان معالم العلماء تألیف کرد که تلخیصی از فهرست شیخ طوسی است و بیشتر به جنبه‌ی فهرست‌نگارانه دارد و رویکرد نقادانه در آن کمتر است.

پیشینه

با وجود پژوهش‌های متعددی که در حوزه‌ی تاریخ‌نگاری شیعه، به‌ویژه طبقات، پدید آمده؛ اما تاکنون پژوهشی مستقل و جامع با این عنوان «بازشناسی مؤلفه‌های محتوایی و ساختاری طبقات‌نگاری شیعه در عصر عباسی (درآمدی بر سیر تدوین از آغاز تا قرن ششم هجری)» تألیف نشده است. تنها نوشتاری که تا حدودی با محوریت این موضوع هم‌سوی دارد، مقاله‌ای است با عنوان «المكونات المضمونیه و البنائیة لتألیف الطبقات عند الشیعة فی

العصر العباسی» از سمیه مؤمنه، که به زبان عربی تدوین و در مجله الکلیه الاسلامیه الجامعه وابسته به جامعه اسلامیه نجف اشرف، در سال ۲۰۲۲ م به چاپ رسید. این مقاله با اینکه به برخی از مسائل طبقات - که در پژوهش پیش‌ورو هم مورد بحث قرار گرفته - مانند مؤلفه‌های ساختاری و محتوایی اشاره کرده؛ اما بسیار کلی، خلاصه و جزئی است و قابل نقد و بررسی است به خصوص که عنوان آن کلی است و با پژوهش حاضر تفاوت‌های زیادی دارد. گستردگی مطالب، گونه‌شناسی طبقات، طرح مباحث گوناگون مرتبط با طبقات، ارائه دسته‌بندی‌های نو و نظام‌مند و عمق‌دهی علمی و تحلیلی به مباحث، از مهم‌ترین آنهاست. از دیگر آثاری که در این زمینه پدید آمده می‌توان به دو مقاله «فصلی در تاریخ‌نگاری اسلامی؛ طبقات» و مقاله «پیشینه طبقات‌نگاری در میان مسلمانان» از نعمت‌الله صفری فروشانی به چاپ رسیده، اشاره کرد که تاکنون مفصل‌ترین مقالات به زبان فارسی در این موضوع محسوب می‌شوند. وی ضمن آوردن تعاریف مختلف ارائه شده درباره طبقات، ملاک‌های تعیین طبقه، سبک‌ها و مراحل، مزایا و معایب و در نهایت مهم‌ترین آثار طبقات‌نگاری مسلمانان را معرفی نموده است.^۱ مقاله «طبقات‌نگاری، شیوه‌ای از تاریخ‌نگاری اسلامی و تأثیرپذیری از ساختارهای اجتماعی» از سید ابوالفضل رضوی و اسماعیل رضایی برجکی نیز از دیگر مقالاتی است که به ماهیت‌شناسی طبقات‌نگاری و تأثیرپذیری آن از ساختارهای اجتماعی می‌پردازد و از طبقات‌نگاری شیعه کمتر سخنی به میان آورده است.^۲ کتاب «التاریخ و المورخون العرب» تألیف عبدالعزیز سالم، مورخ برجسته عرب، از دیگر آثاری است که فصل سوم را، به «سیر تطور تاریخ‌نگاری در عصر اسلامی» اختصاص داده است، به طوری که وی به تحلیل شیوه‌های مختلف تدوین تاریخ نزد مسلمانان - از جمله روش طبقات‌نگاری - پرداخته و زوایای مغفول این سنت تاریخ‌نگاری را با دقتی ستودنی واکاوی کرده است. تمرکز اصلی این پژوهش بر معرفی طبقات‌نگاری شیعه است و این پرسش را مطرح می‌کند که از آغاز تا قرن

۱. صفری فروشانی، نعمت‌الله، «فصلی در تاریخ‌نگاری اسلامی؛ طبقات»، تاریخ اسلام، ش ۴، زمستان

۱۳۷۹؛ همو، پیشینه طبقات‌نگاری در میان مسلمانان، کتاب ماه دین، ش ۵۵، اردیبهشت ۱۳۸۱.

۲. رضوی، سید ابوالفضل رضوی، رضایی برجکی، اسماعیل، «طبقات‌نگاری، شیوه‌ای از تاریخ‌نگاری

اسلامی و تأثیرپذیری از ساختارهای اجتماعی»، تاریخ و فرهنگ، ش ۹۷، زمستان ۱۳۹۵.

ششم عصر عباسی در دوران اعتلای طبقات‌نگاری اسلامی، نگارش طبقات نزد شیعیان با چه رویکردهایی صورت گرفت؟ و مؤلفه‌های محتوایی و ساختاری طبقات‌نگاری شیعه چیست؟ پیش از ورود به بحث اصلی، به مفهوم‌شناسی، تفاوت طبقات‌نگاری نزد مسلمانان (شیعه و اهل سنت) و گونه‌شناسی روش‌های طبقات‌نگاری شیعه اشاره می‌شود.

طبقات‌نگاری شیعه در دوره عباسی

۱. مفهوم‌شناسی طبقات

طبقات، جمع واژه طبقه از ریشه (طَبَق) لایه است که در لغت به معانی مختلفی چون: پوشش، حال، جمع واحد، گروه شبیه به هم، ظرف پخت غذا و قرار گرفتن چیزی بر روی چیزی آمده است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۵۱۵؛ زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۳، ص ۲۸۳) در قرآن لفظ طبقه و طبقات نیامده، اما لفظ طبق در سوره انشاق، آیه ۱۹ به معنای حال؛ و طباق در دو سوره ملک، آیه ۳ و نوح آیه ۱۵ در مورد آسمان‌ها و طبقه طبقه بودن آنها آمده است. در سوره‌های قصص آیه ۴ و واقعه آیه ۱۰ و ۱۱ «طبقه» به معنای رتبه بندی مردم و مسلمانان به کار رفته است.

از نظر تاریخ‌نگاری اسلامی، طبقات، یک شیوه تنظیم مطالب و به طور خاص زندگی‌نامه‌ها است که افراد بر اساس اشتراک در معیارهای زمانی، مکانی، اعتقادی، علمی، حرفه‌ای (صنعتی)، ویژگی‌های جسمی یا شخصیتی و... دسته‌بندی می‌شوند. این عناصر را می‌توان در سه عنوان زمان، مکان و موضوع قرار داد (سجادی و عالم‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۹۳). در واقع، طبقه‌نگاری به شرح حال افرادی توجه دارد که در کار یا گرایش فکری همگون و یا در صفتی شریک هستند. با این مفهوم، طبقه به معنای گروه شبیه به هم نیست؛ بلکه افرادی هستند که در یک دوره زمانی مشخص زندگی کرده و در یک یا چند ویژگی جسمی و اخلاقی، جایگاه علمی و مذهبی یا مهارت‌های علمی و هنری و چه بسا پایگاه اجتماعی، اشتراک‌ها و پیوندهایی با یکدیگر داشته‌اند (رضوی، برجکی، ۱۳۹۵، ص ۹-۲۷).

بنابراین طبقات‌نگاری به معنای نوشتن و تنظیم زندگینامه افراد و شخصیت‌های برجسته یک گروه یا رشته خاص به صورت طبقه‌بندی شده است (ناجی و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۹۸ و ۹۹). این طبقه‌بندی به طور معمول بر اساس معیارهایی مثل زمان حیات، پیشینه خانوادگی، مکتب فکری، یا جایگاه اجتماعی افراد انجام می‌شود. در واقع، طبقات‌نگاری نوعی تاریخ‌نگاری اسلامی است (سجادی و عالم زاده، ۱۳۸۹، ص ۱۳۲ و ۱۶۱) که بر زندگی‌نامه‌ها و دستاوردهای افراد شاخص در یک حوزه خاص تمرکز دارد و آنها را به صورت منظم و طبقه‌بندی‌شده ارائه می‌کند. (روزنتال، ۱۳۶۵، ص ۱۱۱-۱۱۳). این طبقه‌بندی کمک می‌کند تا خواننده تصویری جامع‌تر از تاریخ و پیشرفت آن حوزه خاص داشته باشد. هدف اصلی از طبقات‌نگاری، حفظ میراث فرهنگی و مذهبی، الگوسازی برای دیگران و ترویج ارزش‌های اخلاقی و دینی است. نکته دیگر آن است طبقه‌گاه از نگاه منابع شیعه و اهل سنت فرق دارد. در منابع شیعه طبقه‌بندی بر اساس دوره‌های تاریخی یا وابستگی به امامان معصوم مانند اصحاب آنان آمده است. اما در منابع اهل سنت طبقه‌بندی بر اساس نسل، صحابه، تابعین و تابع تابعین است و گاه بر اساس جغرافیا است.

۲. تفاوت طبقات‌نگاری شیعه با اهل سنت

در میان اهل سنت، طبقات‌نگاری معمولاً با تمرکز بر سلسله اسناد و روابط علمی میان راویان صورت می‌گیرد. ساختار معمولاً بر اساس دوره‌های تاریخی (مانند صحابه، تابعین، تابع تابعین) و با محوریت شخص رسول خدا ﷺ تنظیم می‌شود. برای نمونه کتاب الطبقات الکبری ابن سعد (م ۲۳۰ق) غیر از جلد اول و دوم، و الطبقات خلیفه بن خیاط (م ۲۴۰ق) را نام برد، نزد آن دو چنش صحابه - گاه از جهت تقدم زمانی در اسلام، شرکت در غزوات، پیش از فتح مکه و موارد دیگر، گاه برتری نسبی گاه از جهت مکانی و جغرافیایی - متفاوت است و هر دو در پایان به صحابیات پرداخته‌اند. (ناجی و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۴۰ و ۴۱) ابن سعد پس از طبقه صحابه، تابعین و تابع تابعین (راویان، محدثان و رجال را نیز بر اساس مکان آنان آورده است به طوری که وی (ابن سعد) نخستین فردی است که در طبقات عنصر مکان را دخالت داده است. (سجادی و عالم‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۹۴)؛ اما خلیفه بن خیاط چنش مطالب وی بر اساس جغرافیای مکان افراد، بر حسب انساب، قبایل، که آغاز

آن افراد نزدیک با پیامبر ﷺ و وابستگان (حلفاء) ایشان است و در آخر کتاب به صحابیات بر اساس قبیله آورده است. (ر.ک خلیفه بن خیاط، ۱۴۱۴ق، ص ۲۹-۶۳۸).

در حقیقت طبقات‌نگاری اهل سنت، بیشتر تاریخ‌نگاری عمومی راویان است؛ اما در سبک شیعی، به علت پذیرش بی‌چالش شخصیت‌های محوری (یعنی ائمه‌ی اطهار ﷺ)، امکان طبقه‌بندی بر اساس محوریت امامان فراهم شده است. این ویژگی، سبک طبقات‌نگاری شیعه را منحصر به فرد کرده است. برای نمونه رجال برقی بر اساس اصحاب امام معصوم است که آخرین طبقه به روایان امام حسن عسکری اختصاص دارد. در رجال الطوسی پس از معرفی اصحاب امام حسن عسکری، بابی با عنوان «من لم یرو عن واحد من الائمة ﷺ آمده است. در این میان، سبکی که گروه‌ها را در طبقات مستقل قرار می‌دهد و در آن یک شخصیت محوری معرفی می‌شود، بیشترین تطابق را با هدف اصلی محدثان دارد؛ یعنی بررسی پیوستگی یا ناپیوستگی سلسله اسناد روایت. این سبک به حدیث‌شناسان امکان می‌دهد تا به راحتی روابط استاد و شاگردی را تشخیص دهند.

۳. گونه‌شناسی روش‌های طبقات‌نگاری شیعه

تقسیم‌بندی‌های متعددی را می‌توان برای طبقات‌نگاری شیعه برشمرد. از مهم‌ترین شیوه‌های تنظیم آثار طبقاتی شیعه را می‌توان در قالب سه روش معرفی کرد:

۳-۱. روش تاریخی

در این شیوه، دسته‌بندی راویان بر اساس دوران امامت امامان معصوم ﷺ صورت می‌گیرد. نمونه‌ی بارز این روش کتاب رجال برقی است که راویان را با توجه به دوره‌های تاریخی طبقه‌بندی کرده است.

۳-۲. روش الفبایی

در این روش، تنظیم مطالب بر اساس حروف الفبا انجام می‌شود و در عین حال، اشاره‌ای ضمنی به طبقات نیز دارد. کتاب رجال النجاشی از نمونه‌های برجسته‌ی این شیوه است که با حفظ نظم الفبایی، اطلاعات طبقات راویان را نیز ارائه می‌دهد.

۳-۳. روش موضوعی

در این شیوه، طبقه‌بندی بر اساس تخصص‌ها و حوزه‌های علمی (مانند نحو، شعر، حدیث و مانند آن) صورت می‌گیرد. تمایز اصلی آثار شیعه با منابع اهل سنت در این است که محوریت طبقه‌بندی در آثار شیعه بر امامان معصوم استوار است، در حالی که منابع اهل سنت عمدتاً بر صحابه و تابعین تمرکز دارند (صفری فروشانی، ۱۳۷۹، ص ۴۰-۴۲).

۴. ارکان محتوایی و ساختاری طبقات‌نگاری

محتوا و ساختار از مهم‌ترین مؤلفه‌ها و ارکان طبقات‌نگاری شیعه می‌باشد. در ادامه به این مؤلفه‌ها و ارکان پرداخته می‌شود.

۴-۱. ارکان محتوایی (ساختار معنا)

با بررسی آثار طبقات‌نگاری شیعه در دوره‌ی عباسی، می‌توان به ارکان و مؤلفه‌های محتوایی برجسته‌ای در این زمینه دست یافت. این ارکان، در واقع متغیرهای مستقل پژوهش تاریخی - رجالی هستند. یک طبقات‌نگار بر اساس رویکرد خود بر برخی از این مؤلفه‌ها تأکید بیشتر و بر برخی تأکید کمتر می‌ورزد. از جمله آن نمونه‌ها: احمد بن محمد بن خالد برقی (م ۲۷۴ق) طبقه‌بندی کتاب خود را بر اساس زمان و امام آن عصر دسته‌بندی کرد. طبقات‌نگار حدیثی مانند ابو عمر محمد، مشهور به «شیخ کثی» (م ۳۵۰ق)، بر مؤلفه‌های ارزش‌گذارانه راویان حدیث تمرکز دارد. گاه یک طبقات‌نگار ادبی مانند دعبل خزاعی (م ۲۴۵ق) طبقات الشعراء؛ طبقات‌نگار دیگر بر شناسایی نسل قبیله افراد و ادبیات مانند جلودی (م ۳۳۰ یا ۳۳۲ق) کتاب طبقات العرب و الشعراء؛ طبقات‌نگار فقهی مانند شیخ طوسی (م ۴۶۰ق) در الفهرست بر مؤلفه‌های حوزه تخصص و آثار عالمان شیعه اشاره دارد. گاه یک طبقات‌نگار مذهبی مانند «ابن بقال» (م ۳۶۳ق) طبقات الشیعه را برای شناساندن شیعیان نگاشت. گاه طبقات‌نگار بر تبارشناسی افراد تکیه دارد مانند اسعد جوانی حسینی (م ۵۸۸ق) طبقات النسائین را نوشت. این رویکردهای مختلف در گذر تاریخ تحول یافته و اولویت‌های محتوایی آنها دستخوش تغییر گردیده است.

بنابراین، تحلیل این مؤلفه‌ها به محقق امکان می‌دهد تا نه تنها اطلاعاتی درباره اشخاص کسب کند، بلکه ساختار فکری، اولویت‌ها و روش مؤلف، اثر طبقات‌نگاری را نیز بشناسد و به یک خوانش انتقادی از منبع تاریخی، فقهی، ادبی و تبارشناسی، مذهبی و مانند آن دست یابد.

۴-۱-۱. شاخصه‌های هویتی

بیشتر کتاب‌های رجال و طبقات‌نگاری شیعه در کنار معرفی راویان و شخصیت‌های علمی، به شاخصه‌های هویتی آنان نیز توجه ویژه کرده‌اند. این شاخصه‌ها نه تنها در شناخت دقیق‌تر افراد مؤثر بوده‌اند، بلکه در تحلیل‌های تاریخی، فکری و اجتماعی نیز نقش مهمی ایفا کرده‌اند. از جمله منابع برجسته‌ای که به شاخصه‌های هویتی پرداخته‌اند، می‌توان به نمونه‌های ذیل اشاره کرد: رجال النجاشی، الفهرست و رجال الطوسی که از جمله منابعی هستند که در بخش‌های مختلف خود، اطلاعات هویتی راویان را با دقت ثبت کرده‌اند.

از جمله شاخصه‌های هویتی، ذکر کنیه، لقب، شهرت، بیان وابستگی‌های جغرافیایی (مانند کوفی، قمی، بغدادی)، مکتب فکری (مانند اصحاب، اجماع، واقفی، فطحی)، بیان استادان و شاگردان است که در این منابع رجالی به آنها پرداخته است.

این اطلاعات نه تنها در شناخت دقیق‌تر شخصیت‌ها مؤثرند، بلکه در موارد ذیل نیز کاربرد دارند: تشخیص اعتبار روایات و راویان؛ تحلیل تحولات فکری و جغرافیایی شیعه؛ بررسی شبکه‌های علمی و آموزشی در تاریخ تشیع؛ منابع ارجاعی (نمونه‌هایی از صفحات منابع که به این شاخصه‌ها پرداخته‌اند عبارتند از: (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۱۷۱-۱۷۳-۱۷۶-۱۸۲-۱۸۳-۱۸۴-۴۳۳؛ طوسی، ۱۳۷۳، ص ۲۱-۱۳۲-۱۷۳-۱۹۰-۲۸۱ و...؛ ابن غضائری، ۱۴۲۲ق، ص ۸۷).

۴-۱-۲. راوی‌شناسی

راوی‌شناسی در منظومه‌ی معرفتی شیعه، بر ضرورت صیانت از سنت نبوی و علوی استوار گردیده است. هدف اصلی این علم، حراست از گنجینه‌ی روایی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام در برابر آفت‌های تحریف و جعل بوده که خود، محرکی برای پدیدآیی و تکامل این شاخه‌ی دانش در میان شیعیان گردید. در این میان، روش تاریخ‌نگاری طبقاتی، به مثابه‌ی ابزاری کارآمد در خدمت این هدف والا قرار گرفت. این شیوه، با ارائه‌ی طبقه‌بندی نظام‌مند راویان و تمایز ناقلان موثق از غیرآن، مسیری مطمئن برای دستیابی به متون اصیل

حدیثی فراهم ساخت. افزون بر این، غیبت امام زمان (عج) و ضرورت شناسایی و تمییز وکلا و نواب ایشان در عصر نیابت، بر ابعاد و دامنه‌ی کاربرد این دانش افزود. بدین سان، راوی‌شناسی نه تنها صیانت از گنجینه‌ی حدیثی را تضمین کرد، به ترسیم چارچوب‌های مرجعیت دینی در عصر غیبت نیز نقشی تعیین‌کننده ایفا نمود.

- حسن بن محبوب (م ۲۲۴ق)، صاحب کتاب طبقات الرجال، از اصحاب امام کاظم، امام رضا و امام جواد علیهم‌السلام و یکی از ارکان چهارگانه‌ی شیعه در فقه و حدیث است. رجالیان و محدثان بر وثاقت او اتفاق نظر دارند (ابن‌ندیم، بی‌تا، ص ۳۰۹؛ طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۱۲۱).

- احمد بن محمد بن خالد برقی (م ۲۷۴ق)؛ صاحب کتاب الرجال یا طبقات الرجال، انتساب این اثر به احمد بن عبدالله یا فرزندش عبدالله بن احمد بن محمد برقی محل اختلاف است و نیاز به پژوهشی مستقل دارد (شوشتری، ۱۴۱۱ق، ج ۹، ص ۳۲۸؛ سبحانی، ۱۴۱۴ق، ص ۷۱-۷۲). وی مورد اعتماد رجالیان بزرگ بود (طوسی، ۳۴۲۰ق، ص ۵۳؛ رحمان ستایش، ۱۳۸۵، ص ۲۶-۲۸). در این کتاب، راویان احادیث بر اساس طبقه‌ی زمانی و امامی که از او روایت کرده‌اند، دسته‌بندی شده‌اند. از اصحاب پیامبر و امیرالمؤمنین آغاز شده و به سه بخش «اصفیاء و اولیاء»، «شرطة الخمیس» و «خواص اصحاب» تقسیم گردیده‌اند و تا اصحاب امام حسن عسکری ادامه دارد. سپس نام زنان راوی و در پایان، اسامی کسانی که در برابر ابوبکر ایستادند و علیه غضب خلافت او سخن گفتند و سخنان آنان نقل شده است. در هر فصل، ابتدا نام راویانی را آورده است که از اصحاب امام قبل بودند و این امام را نیز درک کردند، سپس به ذکر اصحاب آن امام پرداخته است (برقی، ۱۴۳۳ق، ص ۱).

- ابوالعباس احمد بن محمد همدانی، مشهور به «ابن عقده» (م ۳۳۲ق) مؤلف کتاب طبقات الرجال، از محدثان بزرگ شیعه زیدی - و هسته‌ی نخستین کتاب‌کشی - که به راویان امام صادق علیه‌السلام اختصاص داشته است (ناجی و دیگران، ۱۳۸۹ش، ص ۹۹). هرچند اصل کتاب او از بین رفته، اما نقل‌های فراوانی از آن در آثار نجاشی و کشی آمده است (نجاشی، ۱۳۶۵ق، ص ۱۶۳-۱۷۲-۱۷۳-۲۵۸ و...).

- احمد بن علی نجاشی (م ۴۵۰ق) نویسنده کتاب رجال؛ در مقدمه این کتاب به روش «طبقاتی» اشاره شده و در متن نیز به طبقات زمانی توجه دارد. این اثر به روش الفبایی نوشته شده است (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۳-۴).

- محمد بن حسن، مشهور به «شیخ طوسی» (م ۴۶۰ق)، مؤلف کتاب الرجال، این اثر گرچه عنوان طبقات ندارد، اما ساختار آن طبقاتی است. از این کتاب بین سال‌های ۴۲۳ تا ۴۳۶ق نوشته شده و شامل ۱۳ باب و نام ۶/۴۲۹ راوی است. نویسنده اصحاب پیامبر و ائمه‌ی اطهار را به ترتیب عصر آنها معرفی کرده و برای دسترسی آسان، به ترتیب حروف الفبا آورده است. در آخر کتاب، فصلی را به راویان شیعی اختصاص داده که از هیچ کدام از ائمه‌ی معصوم روایت نقل نکرده‌اند. جز روایت کردن از معصومان هیچ ویژگی دیگری در افراد ذکر شده در این کتاب، در نظر گرفته نشده است. از این رو، از راویان اهل سنت و شیعه، راویان امامی و پیروان دیگر فرقه‌های شیعه و نیز از راویان مؤمن و منافق و ثقه و غیرثقه در کنار هم در این کتاب سخن به میان آمده است (طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۲۱-۴۰۵).

- ابن غضائری (م ۴۱۱ق)، از استادان نجاشی و نویسنده کتاب الفهرست بود. این کتاب از مفصل‌ترین کتب فهرست‌نگاری است. شیخ طوسی اگرچه شاگرد او نبوده، اما از آثار ابن غضائری بهره برده است. وی در مقدمه‌ی کتاب خود، الفهرست تصریح می‌کند: احمد بن حسین بن عبید الله الغضائری دو کتاب داشته که فهرست بوده‌اند. او در یکی از آن دو، فهرست مصنفات اصحاب، و در دیگری فهرست اصول را آورده است. ایشان می‌گوید: ابن غضائری با مرگ ناگهانی از دنیا رفت و آثار او را ورثه‌اش از بین بردند (ربانی، ۱۳۸۵، ص ۹۶). وی کتاب دیگری دارد به نام الرجال یا تضعیفات الرجال. در این کتاب گرچه تمرکز اصلی کتاب بر جرح راویان است؛ اما به صورت ضمنی از ساختار طبقاتی پیروی می‌کند.

- برخی از دانشمندان شیعی نیز به دسته‌بندی راویان با عنوان «الرجال» پرداختند و به نظر می‌رسد که به صورت طبقات نبوده است. در این زمینه می‌توان از کتاب الرجال محمد بن یعقوب کلینی (۳۲۹ق)، الرجال ابن داوود قمی (۳۶۸ق) درباره‌ی راویان ممدوح و مذموم؛ و الرجال محمد بن علی بن بابویه قمی، معروف به «شیخ صدوق» (م ۳۸۱ق) یاد کرد (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۷۷، ص ۱۲).

۴-۱-۳. سیر تاریخی با معرفی رویکرد آثار طبقات‌نگاری شیعه

شیعه بنا بر توصیه مؤکد آیات قرآن (طه: ۱۱۴؛ زمر: ۹؛ مجادله: ۱۱؛ آل عمران: ۱۸) و تأکید پیامبر ﷺ و امامان معصوم بر جایگاه دانش و ترغیب به علم‌اندوزی، همواره در زمینه‌ی نگارش علوم مختلف - اعم از علوم نظری و طبیعی و الهی - فعال بوده است. از همین رو، از آغاز شکل‌گیری نگارش طبقات‌نگاری شیعه در قرن سوم هجری، مضامین علمی نیز در این آثار مد نظر قرار گرفته است. همان طور که بیان شد دانشمندان شیعی در تدوین کتاب‌های طبقات‌نگاری، در ادوار مختلف رویکردهای متنوعی را در پیش گرفتند؛ رویکردهایی ادبی، رجالی، نسبی، علمی، حدیثی و نمونه‌هایی از آثار برجسته طبقات‌نگاری در رویکردهای مختلف در این سیر تاریخی بدین قرار است:

- الطبقات اثر محمد بن عمر واقدی (م ۲۰۷ق)؛ از اولین شیعیانی است که کتابی با این عنوان تألیف کرد (صدر، ۱۳۵۷، ص ۶۷). البته ابن ندیم از این کتاب یاد کرده (ابن ندیم، ص ۱۱۴) که مفقود است. شاگرد واقدی، ابن سعد اساس کتاب الطبقات الکبری از نوشته‌های استادش ابه عنوان الگو استفاده کرد (بختیاری، ۱۳۷۸ش، ص ۱۳۰). این کتاب از کهن‌ترین و مهم‌ترین آثار در طبقات‌نگاری بر محور اصحاب پیامبر ﷺ و سپس تابعین است.

- طبقات الشعراء اثر دعبل خزاعی (م ۲۴۵ق) نخستین اثر طبقات‌نگاری شیعه را در زمینه‌ی علوم ادبی پدید آورد (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۱۶۲).

- الطبقات الشعراء از ابوهفان عبد الله بن احمد بصری (م ۲۵۵ق)؛ از جمله عالمان شیعی است که به این کتاب را تألیف نمود (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۲۱۸؛ استرآبادی، ۱۴۲۲ق، ج ۶، ص ۴۳۶) و به شاعران هر دوره امام پرداخت

- تاریخ فی طبقات اهل العلم از سلیمان بن داود منقری مشهور به «ابن داوود شاذکونی»^۱ (م ۲۳۴ق) از رجال برجسته‌ی حدیث اصفهان (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۱۸۴؛ ابن غضائری، ۱۴۲۲ق، ص ۱۳۶؛ جناب، ۱۳۸۵، ص ۳۰۱).

۱. کنیه او ابو ایوب و شاذکونی، خوانده می‌شود، که منسوب به، شاذکونه (که به معنی نوعی فرش یا جامه است) می‌باشد، چون خودش یا پدرش فروشنده این نوع متاع بوده‌اند (موحد ابطحی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۲۳۰). برقی گفته است که «شاذکونی» با ذال مفتوح و کاف مضموم، عربی معرب شاذگونه بر وزن بازگونه و آن نام جبه‌ای است پنبه‌دار و عربان (باربری)، فروشنده چنان جامه را شاذکونی گفتند (برقی، ۱۳۸۴ش، ص ۴۳۱).

- کتاب طبقات العرب و الشعراء از عبدالعزیز بن یحیی بن عیسی جلودی (م ۳۳۰ یا ۳۳۲ق)؛ وی از نوادگان عیسی جلودی از اصحاب امام باقر بود (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۲۴۰-۲۴۴).
- الطبقات، اثر ابن دؤل قمی احمد بن محمد (م ۳۵۰ق) (نجاشی، ۱۳۶۵ق، ص ۸۹؛ آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۱۰، ص ۸۶؛ حسینی خامنه‌ای، ۱۳۷۷، ص ۱۲) که متأسفانه متن آن امروز در دسترس نیست.
- کتاب الشیعه من اصحاب الحدیث و طبقاتهم؛ و کتاب طبقات اصحاب الحدیث و الموالی و الاشراف و طبقاتهم از قاضی جعابی محمد بن عمر تمیمی، (م ۳۵۵ق) (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۳۹۴-۳۹۵) امامی مذهب.
- طبقات الشیعه، اثر ابوالقاسم عبدالعزیز بن اسحاق روزبهان زیدی، مشهور به «ابن بقل» (م ۳۶۳ق) (طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۳۴۱؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۸۰ق، ص ۸۱)؛
- رجال الطوسی، اثر شیخ طوسی (م ۴۶۰ق)، که به طبقه‌بندی ۵۹۱۹ فرد از رویان پیامبر و امامان معصوم تا امام حسن عسکری پرداخته است.
- کتاب طبقات الشعراء اثر عماره بن علی بن زیدان یمینی (م ۵۶۹ق) است که در قرن ششم هجری نگاشته شد (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۵، ص ۱۵۱). اشعار این کتاب در باب ولایت است (نمازی شاهرودی، ۱۴۱۴ق، ج ۶، ص ۲۰).
- کتاب طبقات القراء از ابوالعلاء حسن بن احمد همدانی، معروف به «عطار» یا «ابوالعلاء همدانی» (م ۵۶۹ق) است که در آستانه‌ی انحطاط خلافت عباسی، نخستین دسته‌بندی قاریان شیعه در حوزه‌ی علم قرائت را در این کتاب ارائه داد (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۳۰ق، ج ۳، ص ۵۳).
- نزهة الالباء فی طبقات الادباء، اثر ابن انباری (م ۵۷۷ق) که در واسط به طبقه‌بندی علمای نحوی شیعه پرداخت. این کتاب فهرستی جامع از علمای علم نحو از امیرالمؤمنین تا نحویان قرن ششم هجری را بیان می‌کند. وی مؤلفی موثق در این زمینه

است. او تأکید دارد: نخستین واضع علم صرف و نحو عربی، امام امیرالمؤمنین است. البته علاوه بر ذکر علمای نحو شیعی، علمای نحوی در ملل و مذاهب دیگر را نیز یادآور شده است. برای مثال: ابوعمر و اسحاق بن مرار شیبانی (م ۲۰۶ق) که بر مذهب اعتزال بود (ابن انباری، ۱۴۰۵ق، ص ۷)؛ ابومنصور جوالیقی (م ۵۴۰ق) که به گرایش حنبلی معروف است (ابن انباری، ۱۴۰۵ق، ص ۲۹۳).

عبدالله بن معتز (م ۲۹۶ق) خلیفه‌ی حنفی مسلک عباسی (ابن انباری، ۱۴۰۵ق، ص ۱۷۶)؛ و ابوعلی فارسی (م ۳۷۷ق) که عالمی ایرانی‌تبار بود (ابن انباری، ۱۴۰۵ق، ص ۲۳۲) و در معرفی علما، تأکید زیادی بر ذکر علت فضیلت آنان در نحو داشت و روایان هر یک از آنان را نیز بیان کرده است.

- طبقات النسائین، اثر ابوعلی محمد بن اسعد جوانی حسینی (م ۵۸۸ق) از بزرگان شیعه در مدینه (مدرس تبریزی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۴۳۵)؛ این کتاب تنها اثر برجای مانده از طبقات‌نگاری شیعه است که در زمینه‌ی مضامین علمی و دسته‌بندی علمای شیعی نگاشته شد و متن آن امروزه در دسترس است.

- طبقات الشيعة یا الحاوی فی رجال الشيعة الامامیه، تألیف یحیی بن حمید طائی، معروف به «ابن‌ابی طی حلبی» (در گذشته میان ۵۷۵ تا ۶۳۰ق) (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۳ش، ج ۲، ص ۶۷۶)، از بزرگان امامیه، مورخ، شاعر و شارح نهج‌البلاغه و اهل شهر حلب است (ابن‌ابی طی ۱۳۷۹، ص ۱۴-۱۷؛ آقابزرگ تهرانی، ۱۴۳۰، ج ۴، ص ۲۰۵). ایشان دارای آثار فراوانی بوده که امروزه در دسترس نیست؛ اما برخی از مطالب آثار مفقود وی در منابع مختلفی آمده است (ابن حجر، ۱۴۰۶ق، ج ۳، ص ۲۶۳-۲۶۴؛ سبحانی، ۱۴۱۸، ج ۷، ص ۲۹۹). ذهبی (م ۷۴۸ق)، ابن شاکر کتبی (م ۷۶۴ق)، صفدی (م ۷۶۴ق) و ابن حجر (م ۸۵۲ق) و از جمله کسانی بودند که اصل کتاب الحاوی در اختیار آنها بوده و برخی از قطعات آن را در منابع خود آوردند (ابن‌ابی طی، همان، ص ۱۵-۱۹-۳۵؛ ابن حجر، ۱۴۰۶ق، ج ۳، ص ۲۶۳-۲۶۴). وی نیز کتاب اخبار شعراء الشيعة داشته است (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۳ش، ج ۲، ص ۶۷۶).

۴-۲. ارکان ساختاری

طبقات‌نگاری شیعه بر اساس ساختاری استوار نهفته است که همچون اسکلتی پنهان، پیکره این میراث مکتوب را استوار داشته است. ساختار غالب در طبقات‌نگاری متقدم شیعه، آرایش تاریخی بر محور زمان و ترتیب الفبایی مبتنی بر دوره‌های امامت است. این ساختار، غالباً بر پایه یک سیر تطور تاریخی از قدیم به جدید استوار است. این چینش، تنها ترتیب زمانی و الفبایی نیست، بلکه احترام به سلف صالح و نمایش حرکت علم در گذر نسل‌هاست. در حقیقت ساختارها، حاکی از ذهنیت منظم مؤلف و تلاش او برای ایجاد یک نقشه راه، در دانش خاصی است تا مراجعه‌کننده بتواند به سادگی در این گنجینه عظیم به کاوش بپردازد.

۴-۲-۱. ترتیب و توالی زمانی

ترتیب زمانی در طبقات‌نگاری به معنای سازمان‌دهی و چینش اطلاعات بر اساس یک توالی تاریخی مشخص است. این ساختار، معیار اصلی برای طبقه‌بندی افراد محسوب می‌شود. شواهد موجود نشان می‌دهد عنصر زمان، در تمام کتب طبقات - آشکار یا پنهان - حاضر است. روزنتال المانی (م ۲۰۰۳م) تاریخ‌نگار اسلامی که خود به ترتیب زمانی به تحول تاریخ‌نگاری در اسلام پرداخته، بر این باور است که در دل طبقه‌بندی، ترتیب زمانی خوابیده است. به نظر می‌رسد کهن‌ترین شیوه طبقه‌نگاری بر پایه تقسیم‌بندی زمانی به اندیشه تاریخی مسلمانان راه یافت و این خود تحولی در سبک و سیاق طبقات‌نگاری شد (روزنتال، ۱۳۶۵، ص ۶-۱۱۱). در آثار شیعی نیز دسته‌بندی مطالب و اشخاص بر طبق ترتیب زمانی صورت گرفته است؛ هرچند در برخی طبقات‌نگاری‌ها نامی از ترتیب زمانی بیان نشده اما چینش کتاب به گونه‌ای است که ترتیب زمانی از آن فهمیده می‌شود. برای نمونه به برخی از این آثار اشاره می‌شود:

- الطبقات واقدی (م ۲۰۷ق) ابن ندیم او را شیعه دانسته و گوید: «وکان یتشیع، حسن المذهب، یلزم التقیة» (ابن ندیم، ص ۱۴۴) و به استناد سخن ابن ندیم مؤلفانی او را از شیعیان دانسته‌اند (صدر، ۱۳۵۷، ص ۶۷). برخی دیگر گفته‌اند که ابن ندیم بر چه اساسی آن را گفته است (جعفریان، ۱۳۸۷، ص ۷۸). احتمال دارد کتاب واقدی بر محور اصحاب پیامبر ﷺ و سپس تابعین باشد.

- کتاب طبقات الرجال یا الطبقات از احمد بن محمد برقی (م ۲۷۴ق)، مشهور به رجال برقی از متون پایه‌ای رجالی شیعه به‌شمار می‌رود که ساختار طبقه‌بندی تاریخی مبتنی بر توالی امامت، مهم‌ترین ویژگی روش‌شناختی آن است. در این اثر، راویان نه بر اساس حروف الفبا یا جغرافیا، بلکه بر اساس توالی زمانی دوره‌های امامت هر امام دسته‌بندی شده‌اند. به این ترتیب که جایگاه هر راوی در فصل یا بخشی مشخص می‌شود که مربوط به دوره تاریخی امام معاصر او است.

- کتاب اختیار معرفة الرجال از ابو عمر کشی؛ اگرچه کتاب اصلی کشی مفقود شده، اما چینش مطالب در اختیار شیخ طوسی بوده و نشان می‌دهد که بر اساس طبقات راویان و زمان حیات آنان مرتب شده است (کشی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۵). در این کتاب شرح حال ۱۱۵۱ راوی از اصحاب ائمه علیهم‌السلام را بیان کرده است.

- «نزهة الالباء فی طبقات الابداء» از أبوطالب أنباری (م ۵۷۷ق). در این اثر، زندگینامه ۱۷۹ تن از لغت‌شناسان و ادیبان - که شماره قابل توجهی از ایشان از عالمان امامی هستند - ثبت شده است. (ابن انباری، ۱۴۰۵ق، ص ۳۰۳-۳۱۰) در این کتاب، تنها پیوستگی زمانی رعایت شده و چارچوب طبقاتی یافت نمی‌شود (صفری فروشانی، ۱۳۷۹، ص ۴۰).

۲-۲-۴. ترتیب الفبایی

ترتیب الفبایی در طبقات‌نگاری شیعه، یک ساختار فرعی و ابزاری برای نظم‌دهی است که بر اساس آن، راویان در درون هر طبقه (دوره هر امام) بر مبنای حروف الفبا ساماندهی می‌شوند تا دسترسی به اطلاعات، سریع‌تر و ساختار یافته‌تر شود. در مقایسه با منابع رجالی اهل سنت که معمولاً کل کتاب را به صورت یک پارچه و الفبایی می‌چینند (صرف نظر از دوره‌ی تاریخی)، روش شیعه ترکیبی است: ساختار اصلی، تاریخی - طبقاتی و ساختار فرعی، الفبایی. این ویژگی، یکی از وجوه تمایز مهم منابع رجالی شیعه به‌شمار می‌آید. برای نمونه می‌توان به رجال طوسی اشاره کرد. این کتاب بر مبنای یک ساختار ترکیبی

تاریخ محور ساماندهی شده است که در آن، ترتیب الفبایی به عنوان یک ابزار کارآمد و یک ساختار فرعی، در خدمت نظم‌بخشی به ساختار اصلی طبقاتی قرار گرفته است. در حقیقت شیخ طوسی در لایه بنیادین، کتاب خود را بر مبنای دوره‌های تاریخی (طبقات) ائمه اطهار علیهم‌السلام استوار کرده است. بدین ترتیب که: فصول اصلی کتاب به ترتیب، به «اصحاب رسول الله» سپس «اصحاب امیرالمؤمنین علیه‌السلام»، «اصحاب امام حسن علیه‌السلام» و همین‌طور تا «اصحاب امام حسن عسکری علیه‌السلام» اختصاص یافته است. ایشان در اقدامی مبتکرانه و سنجیده، پس از پایان فصل اصحاب امام حسن عسکری علیه‌السلام باب مستقلی را با عنوان «من لم یرو عن واحد من الائمة علیهم السلام» گشوده است. (طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۴۰۷) این بخش، نمونه‌ای اعلا‌ی ترفیق همان ساختار ترکیبی تاریخ‌محور و الفبایی در تمام کتاب است که به کار گرفته شده است.

بنابراین می‌توان از رجال طوسی به عنوان یک دایرة‌المعارف کاربردی برای عالمان رجال و محدثان یاد کرد که یک محقق به‌راحتی می‌تواند در فصل گسترده اصحاب امام صادق علیه‌السلام - که هزاران راوی دارد - وضعیت «زرارة بن اعین» و شاگردان دیگر را بیابد و به آسانی رابطه شاگردی و استادی آنان را تشخیص دهد.

۴-۲-۳. دیگر عناصر ساختاری طبقات‌نگاری

عناصری دیگر در ساختار طبقات‌نگاری وجود دارد که هرچند از ارکان اصلی محسوب نمی‌شوند، اما به عنوان ابزارهای کمکی در شکل‌گیری طبقات نقش دارد. در حقیقت این عناصر، حاکم بر این ساختارند که به طبقات‌نگاری نگاهی دقیق، غنی و کاربردی می‌بخشد. در ادامه به برخی از آنان اشاره می‌شود:

الف: نوع تعریف از صحابه

صحابه در اصل به معنای همراهی است این همراه اگر با رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم - و ائمه اطهار علیهم‌السلام - باشد برای آنان جایگاه و منزلتی خاصی نزد مسلمانان است که حجت اعمال، اقوال آنان به دلیل کاشفیت از سیره و سنت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، به عنوان مرجعیت دینی صحابه نزد اهل سنت پذیرفته شده است و اساس صحابه‌نگاری بر تعریف صحابه است (هدایت‌پناه، ۱۳۹۸،

ص ۳۶ و ۱۱۴). در کتب طبقات شیعه، اصحاب ائمه اطهار علیهم‌السلام نیز با عنوان صحابه آمده است. تعریف صحابه یک مقدمه نیست، بلکه سنگ بنایی است که تمام معماری و هندسه‌ی دانش رجال شیعه بر روی آن استوار شده است. در اینجا اصحاب مرادف راوی است و کارکرد اصلی تعریف اصحاب، شناخت راویان حدیث است. برای نمونه برقی در رجال خود راویان هر امام را به دو گروه تقسیم کرده است: نخست، راویانی که هم امام پیشین و هم امام بعدی را درک کرده‌اند و سپس سایر اصحاب. این اثر همچنین شامل بخش مستقلی برای راویان زن به ترتیب تاریخی است که از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شروع کرده و به امام هادی علیه‌السلام ختم می‌شود. (برقی، ۱۳۴۲ش، ص ۶۱-۶۳) طوسی نیز در کتاب رجال خود با این رویکرد (شناخت اصحاب) در صدد جمع‌آوری نام کسانی است که از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم یا امامان علیهم‌السلام روایت نقل کرده باشند. (حسینیان مقدم، ۱۳۹۵، ص ۹). خوئی (م ۱۴۱۳ق) معتقد است که شیخ طوسی و ابن شهر آشوب اصحاب را با نگاه حدیثی معنا کرده و آن را شامل همه کسانی داشته است که از یکی از امامان روایت نقل کرده باشند، و از همین باب است که شاگردان برخی ائمه اطهار را تا ۴۰۰۰ نفر که حتی شامل منصور عباسی هم می‌شود، ذکر کرده‌اند. (خوئی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۵۵-۵۷). بنابراین رجال طوسی با ساختاری جامع‌تر، اصحاب را از زمان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تا غیبت صغری به ترتیب تاریخی طبقه‌بندی کرده و در پایان، باب جداگانه‌ای برای اصحاب بدون روایت مستقیم از امام گشوده است.

ب: اسلوب ایجاز در تبارشناسی راویان

در متون رجالی کهن، «اسلوب ایجاز در تبارشناسی راویان» به صورت الگویی استاندارد و حکیمانه تجلی یافته است؛ اطلاعات هر راوی عمدتاً در قالب اختصار نام، نسب، مشایخ، راویان، تاریخ وفات و گزارشی کوتاه درباره وثاقت ارائه می‌گردد، همان‌گونه که در رجال برقی تنها به نام و نسب و قبیله اکتفا شده است. (برقی، ۱۳۴۲ش، ص ۱ تا آخر) البته میزان ایجاز در منابع مختلف، یکسان نبوده و بر اساس هدف مؤلف، یک صنف را تشکیل می‌دهد. این رویکرد کمک می‌کند تا دسترسی پژوهشگر به طبقه راوی و تشخیص روایاتی که نام بعضی از راویان آن حذف شده باشد، آسان شود.

ج: نسب‌نگاری

نسب‌نگاری شیعه در ساختار طبقات‌نگاری، تنها یک ثبت ساده تبار خانوادگی نیست، بلکه ابزاری راهبردی و هویت‌بخش است که در خدمت اهداف عمیق‌تر این دانش قرار گرفته است. (عالمی، ۱۳۹۳، ص ۱۱) در جامعه قبیله‌محور صدر اسلام، ذکر نسب و قبیله، به عنوان شناسه هویت اجتماعی راوی، به دقت‌تر شدن شناسنامه او کمک می‌کرد و از اشتباه گرفتن افراد هم‌نام جلوگیری می‌نمود. گاه فرد به شهر، حرفه پدر، مادر و نزدیکان انتساب داده می‌شد (عالمی، ۱۳۹۳، ص ۱۱). ذکر خویشاوندی‌های علمی (مانند پدر و پسر) که هر دو راوی بوده‌اند) به ترسیم حلقه‌های موروثی انتقال حدیث و خاندان‌های علمی وفادار به اهل بیت علیهم‌السلام کمک می‌کرد. بنابراین با ثبت این اطلاعات، نه تنها افراد، که خاندان‌های حامل علم نیز شناسایی و تجلیل می‌شدند و نقش آنان در پاسداری از میراث اهل بیت جاودانه می‌ماند. در همین زمینه، نویسندگان شیعه به مقوله‌ی نسب و تقسیم‌بندی طبقات اجتماعی توجه داشته‌اند. از جمله آثار برجسته در این زمینه می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- طبقات العرب و الشعراء، اثر عبدالعزیز بن یحیی جلودی؛ (نجاشی، ۱۳۶۵،

ص ۲۴۳)

- الشیعة من اصحاب الحدیث و طبقاتهم و الموالی و الاشراف و طبقاتهم، اثر قاضی جعابی، عمر بن محمد بن سلام (م ۳۵۵ق) (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۳۹۵؛ آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰، ص ۱۳۰) این کتاب از بنی‌هاشم و موالی (وابستگان) آنها و کسانی که حدیث غدیر خم، و اخبار آل ابی‌طالب و اخبار علی بن الحسین علیه‌السلام و غیر ایشان را نقل کرده، سخن به میان آورده است. (سبحانی، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۴۴۷).

- کتاب طبقات النسائین از ابو علی محمد بن اسعد جوانی حسینی (آقابزرگ تهرانی،

۱۴۰۳ق، ج ۱۰، ص ۱۴۳)

۵. کاربرد آیات قرآن و احادیث نبوی

در برخی منابعی که با روش طبقات‌نگاری تألیف شده‌اند - و در این پژوهش به‌شماری از آنها اشاره شد - استفاده از آیات قرآن و احادیث نبوی به‌وضوح مشاهده می‌شود. این

مضامین، به‌ویژه در تأکید بر جایگاه اهل‌بیت و امیرالمؤمنین، نقش مهمی در جهت‌گیری محتوایی این آثار ایفا کرده‌اند. برای نمونه در رجال برقی، نقل احادیث از پیامبر ﷺ، به‌ویژه درباره‌ی شخصیت امیرالمؤمنین عَلِيٍّ و اهل‌بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بسیار مشهود است؛ مثلاً، سهل‌بن‌حنیف درباره‌ی اهل‌بیت از پیامبر نقل می‌کند: «أَهْلُ بَيْتِي فَرَقَ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ، وَ هُمُ الْأَيَّمَةُ يُقْتَدَى بِهِمْ أُمَّتِي» و امیرالمؤمنین از پیامبر چنین روایت شده است: «عَلِيٌّ بَنُ أَبِي طَالِبٍ إِمَامُكُمْ بَعْدِي وَ هُوَ النَّاصِحُ لِأُمَّتِي» (برقی، ۱۳۴۲ ش، ص ۶۶). اینگونه نقل‌ها نشان می‌دهد که مؤلفان طبقات‌نگاری شیعه، علاوه بر معرفی راویان و طبقات علمی، به‌تأکید بر مشروعیت و جایگاه الهی امامان معصوم نیز توجه و از احادیث نبوی برای تقویت این محور بهره گرفته‌اند.

۶. بهره‌گیری از مطالب کتب طبقات و تراجم پیشین

کاربرد مطالب پیشینان، گاه بر مبنای صرف نقلی و حتی روایت‌گری از راویان ضعیف صورت گرفته، چنان‌که به گفته‌ی شیخ طوسی، برقی ثقه بوده است؛ ولی از راویان ضعیف نیز روایت کرده که تنها بر روایات مرسل (بدون سند کامل) تکیه کرده است (طوسی، ۱۴۱۷ ق، ص ۶۲؛ برقی، ۱۴۳۳ ق، ص ۲۰). از سوی دیگر، نجاشی در نگارش اثر خود، از منابع طبقات‌نگاری و تراجم معتبر پیش از خود بهره برده است. از جمله‌ی این منابع، به کتاب الطبقات اثر ابن‌عقده (م ۳۳۲ ق) اشاره کرد که در بخش‌های مختلف کتاب نجاشی، ارجاعات متعددی به آن دیده می‌شود. (نجاشی، ۱۳۶۵ ش، ص ۱۶۳-۱۷۲-۱۸۱-۲۸۷-۲۵۸). این بهره‌گیری از آثار پیشین، نشان‌دهنده‌ی پیوستگی علمی و تاریخی در سنت طبقات‌نگاری شیعه است؛ سنتی که با وجود تفاوت در روش‌ها و دقت‌های رجالی، همواره در تلاش برای حفظ و انتقال میراث حدیثی و تاریخی بوده است.

نتیجه‌گیری

سیر تدوین طبقات‌نگاری شیعیان در عصر عباسی، از قرن دوم تا ششم هجری، فرایندی تدریجی، پویا و پاسخگو به نیازهای درونی جامعه شیعه بوده است. در این دوران، طبقات‌نگاری شیعه با دو ویژگی برجسته از دیگر دوره‌ها متمایز شد: نخست. انعطاف محتوایی از طریق ترکیب تاریخ، حدیث، رجال و کتابشناسی؛ دوم. ساختار نظام‌مند با ایجاد الگوهای طبقه‌بندی علمی بر اساس زمان، مکان و موضوع.

در نگاهی کلی، می‌توان دریافت که زمینه‌ی اصلی طبقات‌نگاری شیعه بر پایه‌ی سیره‌نگاری بنا شده و در قالب تسمیه‌نگاری تجلی یافته است. به استناد کتاب طبقات الشعراء از دعبل بن علی خزاعی، طبقات‌نگاری شیعه با عنوان «طبقات» در قرن سوم هجری و در حوزه‌ی علوم ادبی و شعر صورت گرفته است. از نظر محتوایی، شباهت‌هایی میان کتاب‌های طبقات شیعه و اهل سنت در شرح سیره‌ی نبوی و توجه به طبقه‌ی صحابه و تابعین وجود دارد، هرچند در تعریف «صحابه» و ملاک‌های طبقه‌بندی آنان، تفاوت‌های بنیادینی میان دو مکتب دیده می‌شود. با رشد رشته‌های مختلف علوم و ظهور طریقت‌های فکری نوظهور در قرون نخستین اسلامی، دانشمندان هر گروه کوشیدند نام و شرح حال بزرگان خود را تدوین کنند. بیشترین مضامینی که کتب طبقات شیعه را تشکیل می‌دهد، مربوط به زوایای مختلف علوم است؛ اعم از علوم دینی (مانند قرائت، رجال و حدیث) و علوم غیر دینی (مانند نحو، نسب، ادبیات و شعر).

در شیوه‌ی تنظیم کتب طبقات، باید به کاربرد هماهنگ بیان روایی و لحن ساده، بهره‌گیری از ترتیب زمانی و الفبایی در دسته‌بندی راویان و رجال، ایجاز در کلام، فهرست‌نویسی، ثبت مطالب کتب از بین رفته، ذکر راویان عینی و موثق، انساب و محلی‌نگاری اشاره کرد.

در مجموع، طبقات‌نگاری شیعه از آغاز تا پایان قرن ششم عصر عباسی، نه تنها به ثبت و ضبط معارف دینی و تاریخی شیعه کمک کرده، بلکه محیط علمی و فکری خاصی را فراهم آورده است که در آن، شیعه توانسته معارف خود را گسترش دهد و در برابر چالش‌های موجود از هویت فکری و اعتقادی خود دفاع کند.

منابع

۱. ابن انباری، عبدالرحمن بن محمد الأنصاری (۱۴۰۵ق). نزهة الألباء في طبقات الأدباء. كوشش ابراهیم السامرائی. الزرقاء: مكتبة المنار.
۲. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۴۰۶). لسان المیزان. بیروت. مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۳. ابن ابی طی، یحیی بن حمید (۱۳۷۹ش). الحاوی فی رجال الشیعة الامامیة. تصحیح رسول جعفریان. بی‌جا: بی‌نا.
۴. ابن سعد، ابو عبدالله محمد (۱۴۱۰ق). الطبقات الكبرى. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۵. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۸۰ق). معالم العلماء فی فهرست کتب الشیعة. تحقیق محمد بن علی. نجف اشرف. المطبعة الحیدریه.
۶. ابن غضائری، احمد بن حسین (۱۴۲۲ق). الرجال (ابن الغضائری). قم: دار الحدیث.
۷. ابن ندیم، احمد بن إسحاق (۱۴۱۷ق)، الفهرست. تحقیق ابراهیم رمضان. بیروت: دارالمعرفة.
۸. استرآبادی، محمد بن علی (۱۴۲۲ق). منهج المقال فی تحقیق احوال الرجال. قم: مؤسسه آل‌البيت لاهیاء التراث.
۹. اصفهانی ابوالفرج، علی بن حسین (بی‌تا). مقاتل الطالبیین. تحقیق سیداحر صقر. بیروت: دارالمعرفة.
۱۰. آقا نوری، علی (۱۳۸۵ش). خاستگاه تشیع و پیدایش فرقه‌های شیعه در عصر امامان. قم: پژوهشگاه علوم و معارف فرهنگ اسلامی.
۱۱. آقابزرگ تهرانی، محمد محسن منزوی (۱۳۷۲ش). مصنفات الشیعة. مشهد: آستان قدس رضوی.
۱۲. آقابزرگ تهرانی، محمد محسن منزوی (۱۴۰۳ق). الذریعه الی تصانیف الشیعة. بیروت: دار احیاء الاضواء.
۱۳. آقابزرگ تهرانی، محمد محسن منزوی (۱۴۳۰ق). طبقات اعلام الشیعة. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۴. امین، محسن (۳۴۰۱ق). أعیان الشیعة. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
۱۵. بختیاری، شهلاء. (۱۳۷۸ش) نقد و بررسی منابع سیره نبوی. زیر نظر رسول جعفریان و مؤلفان. مقاله بررسی دیدگاه‌های واقدی و ابن سعد، در روایت سیره. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

۱۶. برقی، علی اکبر. (۱۳۸۴ش). راهنمای دانشوران در ضبط نام‌ها، نسب‌ها و نسبت‌ها، مقدمه‌نویس برقی محمد باقر (م۱۴۳۶ق). قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. دفتر انتشارات اسلامی.
۱۷. برقی، احمد بن محمد (۱۳۴۲ش). رجال البرقی. اشراف جعفر سبحانی. تحقیق و تعلیق حیدر محمد علی بغدادی. قم: مؤسسه الامام الصادق علیه السلام.
۱۸. برقی، احمد بن محمد (۱۳۴۲ش). رجال البرقی. مصحح محمد کلظم میاموی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۹. جعفریان، رسول. (۱۳۸۷ش). منابع تاریخ اسلام. قم: انتشارات انصاریان. چاپ سوم.
۲۰. جناب، علی. (۱۳۸۵ش). رجال و مشاهیر اصفهان (الاصفهان). تدوین و تصحیح: پورعصار، رضوان. اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
۲۱. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۷ش). چهار کتاب اصلی علم رجال. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۲. حسینیان مقدم، حسین. (۱۳۹۵ش). تطورشناسی سیره نگاری با تکیه بر نقش اصحاب امامان علیهم السلام. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲۳. الخضری بک، محمد (بی‌تا). الدولة العباسية. تحقیق الشيخ محمد عثمانی. بیروت: شركة دارالارقم بن ابی الارقم.
۲۴. خلیفه بن خیاط. (۱۴۱۴ق). کتاب الطبقات. تحقیق سهیل زکار. بیروت: دارالفکر.
۲۵. خوئی، ابولقاسم (۱۴۱۳ق). معجم رجال الحدیث و تفصیل الرواة. بی‌نا: بی‌جا.
۲۶. داداش نژاد، منصور. (۱۳۹۵ش)، خاندان‌های شیعه خاندان ابو رافع (پژوهش و بازسازی میراث مکتوب خاندان ابی رافع. قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). مفردات الفاظ قرآن. بیروت: دارالشامیه.
۲۸. ربانی، محمدحسن (۱۳۸۵ش). سبک‌شناسی دانش رجال الحدیث. قم: مرکز فقهی ائمه‌ی اطهار (ع).
۲۹. رحمان ستایش، محمدکاظم (۱۳۸۵ش). آشنایی با کتب رجال شیعی. تهران: سمت.
۳۰. رضوی، سیدابوالفضل و رضایی برجکی، اسماعیل (۱۳۹۵ق). طبقات‌نگاری: شیوه‌ای از تاریخ‌نگاری اسلامی و تأثیرپذیری از ساختارهای اجتماعی. تاریخ فرهنگ، ۲ (۹۷)، ص ۲۹-۷.
۳۱. روزنتال، فرانتس (۱۳۶۵ش). تاریخ تاریخ‌نگاری در اسلام. ترجمه‌ی اسدالله آزاد. مشهد: آستان قدس رضوی.

۳۲. زبیدی، مرتضی (۱۴۱۴ق). تاج العروس، بیروت: دارالفکر.
۳۳. ژزوف، بورلو (۱۳۸۹ق). تمدن اسلامی. ترجمه اسدالله علوی. مشهد: انتشارات بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۳۴. سالم، عبدالعزیز (بی‌تا). التاريخ و المورخون العرب. بیروت: دار النهضة العربية.
۳۵. سبحانی، جعفر (۱۴۱۴ق). کلیات فی علم الرجال. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۳۶. سبحانی، جعفر (۱۴۱۸ق). موسوعة طبقات الفقهاء. قم: مؤسسه الإمام الصادق علیه السلام.
۳۷. سجادی و عالم‌زاده (۱۳۸۹ش)، تاریخ‌نگاری در اسلام، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۳۸. شوشتری، حسن بن زیدالدین (۱۴۱۱ق). تحریر الطاووسی. تحقیق فاضل الجواهری. قم: مکتبه آیه‌الله المرعشی النجفی.
۳۹. صدر، حسن (۱۳۵۷ش). شیعه و پایه‌گذاری علوم اسلامی. ترجمه‌ی محمد مختاری. تهران: روزبه.
۴۰. صفری فروشانی، نعمت‌الله (۱۳۷۹ش)، فصلی در تاریخ‌نگاری اسلامی طبقات، تاریخ اسلام، شماره ۱.
۴۱. صفری فروشانی، نعمت‌الله (اردیبهشت ۱۳۸۱ش). پیشینه‌ی طبقات‌نگاری در میان مسلمانان. کتاب ماه دین، ۵۵.
۴۲. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۵ق/۱۳۷۳ش). رجال الطوسی. تحقیق جواد قیومی اصفهانی. قم: مؤسسه انتشارات اسلامی.
۴۳. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۲۰ق). فهرست کتب الشیعة و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول. قم: مکتبه المحقق الطباطبائی.
۴۴. عالمی، سیدمحمدرضا (۱۳۹۳ش). انساب‌نگاری شیعه تا پایان قرن هفتم هجری. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و بنیادپژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۴۵. مجهول (۱۳۹۱ق). اخبار الدولة العباسية. تحقیق عبدالعزیز دوری. بیروت: دار الطبعة.
۴۶. محرمی، غلامحسین (۱۳۸۷ش). تاریخ تشیع از آغاز تا پایان غیبت صغری. قم: مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۴۷. مدرس تبریزی، محمدعلی (۱۳۶۹). ریحانة الادب فی تراجم المعروفین بالکنية و اللقب. تهران: خیام.

۴۸. موسوی بجنوردی، کاظم، (۱۳۸۳ش). دائرةالمعارف بزرگ اسلامی. تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی. چاپ پنجم. ج ۲.
۴۹. مومنة سمیة، محمدعلی چلونگر. مصطفی پیرمادیان. (۲۰۲۲م). المكونات المضمونیه و البنائیه لتألیف الطبقات عند الشیعه فی العصر العباسی. مجلة الكلیه الاسلامیه الجامعه لجامعه اسلامیه نجف اشرف. عدد ۶۹. ص ۷۴-۸۸.
۵۰. ناجی، محمد رضا و دیگران. (۱۳۸۹ش)، تاریخ و تاریخ نگاری، تهران: نشر مرجع.
۵۱. نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵ش). رجال النجاشی. ط السادسة. قم: جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیه.
۵۲. نمازی شاهرودی، علی (۱۴۱۴ق). مستدرکات علم رجال الحدیث. تهران: فرزند مؤلف.
۵۳. هدایت پناه، محمد رضا (۱۳۹۸ش). سیر تدوین و تطور صحابه نگاری. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. نشر پژوهشگاه.